

مذاکرات ۱+۵ و شوکهای روانی تورم زا

محمد رضایی پور، کارشناس اقتصادی

ایلنا

فارغ از میزان تاثیری پذیری قیمت‌های عمومی ایران از متغیرهای سنتی همچون رشد نقدینگی، کسری بودجه، عوامل ساختاری و... که در مطالعات تجربی اقتصاد ایران به کرات مورد بررسی قرار گرفته اند. در سالهای اخیر عاملی غیر از این عوامل منجر به بروز شوکهای قیمتی روزانه در بازار کالا و خدمات ایرانی شده است. براحتی این ادعا قابل اثبات است چراکه قیمت‌ها در بازار تعیین می شوند و برآیند یک یا چند متغیر مرتبط هستند. تغییر در هر کدام از متغیرهای مرتبط موجب تغییر متناسب در قیمت‌ها می‌شود. لذا با توجه به اینکه عوامل ذکر شده موثر بر تورم قیمت‌ها در اقتصاد ایران در ماههای اخیر تغییرات محسوسی نداشته اند. افزایش روزانه قیمت‌ها بطور حتم متأثر از فاکتوری غیر از علل برشمرده ارزیابی می شود. فاکتور مذکور "انتظارات عقلایی"^۱ رو به رشد عوامل اقتصادی کشور از جمله مصرف کنندگان، عرضه کنندگان و بخصوص واسطه ها می باشد. نظریه انتظارات عقلایی که در دهه ۱۹۸۰ در محافل کارشناسی اقتصاد مطرح داراست. همچنان موقعیت خود را به عنوان یکی از محورهای اصلی تبیین رفتار عوامل اقتصادی مطرح است. بر مبنای نظریه مذکور فعالان اقتصادی در شکل‌دهی انتظارات و انجام پیش‌بینی‌ها برای مقدار آتی یک متغیر اقتصادی، کارآترین استفاده را از تمامی اطلاعات در دسترس که آنها معتقدند که در تعیین مقدار متغیر مورد نظر، موثر می‌باشد، خواهند کرد. اگر مردم بر اساس تجربیات گذشته خود و یا بر مبنای مشاهدات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیش بینی کنند که در آینده نزدیک قیمت‌ها رو به افزایش خواهد بود، میزان تقاضای خود را برای کالا و خدمات افزایش می دهند. از طرف دیگر عرضه کنندگان از فروش و عرضه کالاهای خود به امید افزایش قیمت و کسب سود بیشتر در آینده امتناع می کنند، چنین شرایطی در نهایت موجب افزایش قیمت‌ها می شود.

نتایج تحقیقات اقتصادی ایران نیز حاکی از این واقعیت است که هرگاه انتظار افراد از آینده اقتصاد با وضعیت واقعی فعلی اقتصاد فاصله بگیرد، متغیرهای اسمی از جمله نرخ ارز و قیمت‌های عمومی متأثر از این انتظار بسته به نوع تغییر، افزایش یا کاهش متناسب خواهند داشت.

¹rational expectations

بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ وقایع سیاسی و اقتصادی مختلفی از جمله مناقشه با آمریکا و تحریمها، جنگ تحمیلی، دوران تعدیل اقتصادی در دهه هفتاد هجری، مسئله انرژی اتمی و تهدیدهای نظامی و.... منجر به بروز شوکهای روانی متعددی در جامعه شده است که عوامل اقتصادی بخصوص واسطه ها و دلالتان با دامن زدن به این شوکها منجر به بروز انتظارات تورمی، افزایش تقاضا در بازارهای مختلف از جمله دارائیهای سرمایه ای، شکل گیری حباب قیمتی و ایجاد تورم قیمتی شده اند. در حال حاضر نیز مذاکرات دوره ای ایران با پنج ابرقدرت جهان موسوم به ۱+۵ بر سر موضوع هسته ای ایران بهانه ای برای تزریق شوکهای روانی در جامعه شده است. این شوکها از دو سو منجر به افزایش روزانه قیمتها می شود:

- ۱- تهیج روانی طرف عرضه و تقاضا در فرار از تبعات منفی تورم انتظاری منجر به ازدیاد تقاضا و امتناع از عرضه در دوره زمانی کوتاه مدت می شود. این موضوع در نهایت منجر به خروج بازار از تعادل و شکل گیری حباب قیمتی می شود.
- ۲- تقاضای کاذب دارائیهای فیزیکی از جمله مستغلات، ارز و وسایل نقلیه سنگین، منجر به ازدیاد هزینه های تولید از جمله هزینه اجاره، هزینه مواد اولیه وارداتی و هزینه حمل و نقل می شود. این موضوع منجر به افزایش هزینه تولید و قیمت نهایی کالا و خدمات شده است. مطالعات میدانی چند ماه اخیر از بازارهای رسمی و مشاهده تغییرات قیمتها بیانگر این واقعیت است که این شوکهای روانی پس از هر دور مذاکرات پررنگ تر می شود. لذا با عنایت به تلاش مسئولین کشور در به سرانجام رسیدن مذاکرات هسته ای ایران و احتمالاً طولانی بودن این مذاکرات، بنظر می رسد که استفاده از ابزارهای مدیریت انتظارات تورمی جامعه، اجتناب ناپذیر است. شایان ذکر است که دولت از دو ابزار مدیریت و تنظیم بازار با استفاده از ابزارهای تعزیراتی هدفمند و کارا و شفاف سازی با استفاده از ابزارهای رسانه ای می تواند در راستای مدیریت انتظارات تورمی جامعه بهره گیرد.